

احزاب سياسي ايران: كلاف سردرگم قدرت



موريس دوورژه، جامعه‌شناس و حقوق‌دان معروف فرانسوي، حزب سياسي را چرخ دنده ماشين دمكراسي مي‌داند. بر همين مبنا، دوورژه معتقد است كه نمي‌توان در جامعه‌اي از دمكراسي سخن به ميان آورد، ولي به چرخ دنده اصلي آن يعني احزاب، تشكّل‌ها و ساير نهادهاي مدني، توجهي نداشت. از اين رو، امروزه تمام جوامع - چه پيشرفته و چه در حال گذار - به اين واقعيّت رسيده‌اند كه رقابت سالم احزاب با خطه‌شي‌هاي اقتصادي، سياسي، اجتماعي و فرهنگي متفاوت براي كسب تصديگري و اداره امور جامعه و دستيابي به قدرت، موجب مشاركت بيشتر مردم در اداره کشور شده و پاسخگويي و شفافيت بيشتر مسؤولان را به همراه دارد. به همين دليل، امروزه جوامع به حضور جدّي و كاركردهاي مؤثر احزاب و سازمان‌هاي غير دولتي (NGOs) و ساير نهادهاي مدني در اداره امور کشور، توجهي خاص مي‌دارند.

يكي از كاركردهاي اصلي احزاب در يك جامعه، آموزش و تربيت نيروهايي است كه انتظار مي‌رود بتوانند در عرصه اداره امور کشور ظاهر شوند. اين مسأله در نوع خود به شناخت بهتر مردم از مديران و مسؤولان آينده و خط فكري آنها كمك خواهد كرد.

كارکرد مهم ديگر احزاب، به عنوان نهادي برخاسته از متن جامعه و رابط ميان مردم و حاكميت، انتقال خواسته‌ها و مطالبات مردمی به مراكز تصميم‌سازي است. از اين رو، احزاب مي‌توانند محل مناسبی براي تجميع مطالبات توده‌هاي مردمی و اقتشار گوناگون به شمار آيند.

ديگر كارکرد اساسي احزاب، به نحوه شكل‌گيري، قدرت‌يابي و مانوردهي نهادهاي مدني و وابستگي آنان به مردم باز مي‌گردد. در واقع، هر چقدر حزبي بتواند خطه‌شي‌ها و سياست‌هاي اقتصادي، فرهنگي، اجتماعي و سياسي متناسب با شرايط و نياز جامعه را اتخاذ كند، از طرفداران بيشتر و جايگاه مردمی و خاستگاه قوي‌تري برخوردار خواهد بود. در عين حال، احزاب خارج از دستگاه حاكمه و دولت، بايد با نقد برنامه‌ها و سياست‌هاي دولت حاكم، برنامه‌ها و پيشنهادهات اجرايي و عملي مناسبی براي حل مشكلات مردم و جامعه خود ارايه كنند.

احزاب ايران

به گزارش واحد اطلاعات و اخبار ماهنامه <اقتصاد ايران>، تاكنون 260 حزب در قالب احزاب، كانون‌ها، جمعيت‌ها، مجامع، تشكّل‌ها و غيره از كميسيون ماده 10 احزاب پروانه فعاليت گرفته‌اند. اما بر اساس اعلام دبيرانه خانه احزاب ايران، هم‌اكنون فقط 60 درصد احزاب ثبت شده و داراي پروانه فعاليت، در سه جبهه و خطه‌شي سياسي اجتماعي عمده شامل اصول‌گرايان، اصلاح‌طلبان و اعتداليون، براي كسب قدرت رقابت مي‌كنند. در همين راستا، تعداد 47 حزب، گروه و تشكّل همسو در جبهه اصلاح‌طلبان قرار دارند كه از مهمترين و مؤثرترين احزاب اين جبهه مي‌توان به مجمع روحانيون مبارز، حزب جبهه مشاركت ايران اسلامي، حزب كارگزاران سازندگي ايران اسلامي، حزب جوانان ايران اسلامي، سازمان مجاهدين انقلاب اسلامي و خانه كارگر اشاره كرد. جبهه اصول‌گرايان نيز بيش از 35 حزب، دسته، جمعيت و گروه را در خود جاي داده‌است كه شاخص‌ترين آنان، جامعه روحانيت مبارز، حزب مؤتلفه اسلامي، جامعه اسلامي مهندسان، جمعيت ايتارگران انقلاب اسلامي، آبادگران و جامعه اسلامي دانشگاهيان هستند. از سوي ديگر، جبهه اعتداليون تعداد 25 حزب و گروه از جمله حزب اعتدال و توسعه و حزب مردم و عدالت را در طيف هم‌قطاران خود دارد. برخي از احزاب گروه‌هاي ظاهرا مستقل همچون تكنوكرات‌ها نيز هستند كه مستقل و بدون وابستگي به طيف خاصي، در عرصه‌هاي مبارزاتي شركت دارند.

اما احزاب مستقل در ايران، با چالش‌هاي بيشتري در مسير فعاليت خود مواجه هستند. در اين زمينه محمد تبرّايي، عضو شوراي مركزي و دبيرانه اجرايي خانه احزاب ايران، به خبرنگار <اقتصاد ايران> مي‌گويد: ”وقتي سخن از احزاب مستقل به ميان مي‌آوريم، بايد بتوانيم ثابت كنيم كه اين نوع احزاب به صاحبان قدرت وابستگي و تعلق ندارند و از سوي هيچ جريان و گروه دولتي و وابسته به حكومت، حمايت نمي‌شوند. اين عامل نقش بسيار مهمي در تعيين ميزان استقلال يك حزب سياسي ايفا مي‌كند. اما در حال حاضر نكته مهمي كه در روند فعاليت احزاب ايراني به چشم مي‌خورد، حكايت از پارادوكس و تناقضي بنيادين دارد، به طوري كه برخي از احزاب از يك سو مي‌خواهند از حمايت‌هاي دولت يا وابسته‌به مراكز قدرت بهره بگيرند و از سوي ديگر، تلاش دارند در ظاهر، حداقل وابستگي را به مراكز قدرت نشان دهند.”

يارانه حزبي

اکثر صاحب‌نظران معتقدند تا زمانی که احزاب و تشکلهای مردمی به مرحله‌ای از بلوغ برسند و نیازهای بودجه‌ای و هزینه‌های اداری، تشکیلاتی و مبارزاتی خود را جبران کنند، دولت باید با حمایت‌های مادی و معنوی خود، به آنها کمک کند. در واقع، آنها معتقدند دولت با اختصاص بودجه‌ای برای احزاب، به رشد فرهنگ سیاسی مردم کمک خواهد کرد. اما بسیاری از مدیران احزاب، از میزان حمایت دولت از فهم احزاب و تشکلهای مردمی گلدارند. آقای مهدی علیخانی، دبیرکل حزب جوانان ایران اسلامی و عضو شورای مرکزی خانه احزاب ایران، در این زمینه به خبرنگار <اقتصاد ایران> می‌گوید: ”در دولت آقای خاتمی به منظور حمایت و تقویت نهادهای مدنی به ویژه احزاب و تشکلهای سیاسی، سالانه مبلغ ناچیزی حدود 600 تا 800 میلیون تومان، به عنوان یارانه احزاب بین نهادهای احزاب، جمعیت‌ها و تشکلهای سیاسی دارای پروانه فعالیت از کمیسیون ماده 10، پرداخت می‌شد. مبلغ یارانه نیز بر اساس آیین‌نامه نحوه تخصیص یارانه، میان احزاب توزیع می‌شد. در همین زمینه در سال اول اختصاص یارانه به احزاب یعنی سال 1381، به 70 حزب و گروه سیاسی یارانه پرداخت شد. اما متأسفانه در سال‌های بعدی ریاست‌جمهوری آقای خاتمی (82 تا 84)، به رغم افزایش تعداد احزاب مشمول دریافت یارانه، مبلغ کل یارانه تغییری نکرد.”

شایان ذکر است، پرداخت یارانه به احزاب، بر اساس بندهای مفاد برنامه چهارم توسعه و در راستای تقویت و توسعه نهادهای مدنی، در قانون بودجه سال‌های 81 تا 84 قید شده بود. نحوه تخصیص یارانه نیز بر اساس شیوه امتیازدهی به احزاب و تشکلهای سیاسی و بر مبنای شاخص‌هایی چون تعداد برگزاری کنگره‌ها، جلسات و نشست‌ها، تعداد اعضای رسمی، تعداد دفاتر استانی و منطقه‌ای، وضعیت نشریات و سایت اینترنتی، نحوه حضور در انتخابات، تعداد دوره‌های آموزشی، میزان کتب و جزوات آموزشی انتشار یافته، تعداد بیانیه‌های صادر شده در موضوعات مختلف و کیفیت آنها، بین احزاب تخصیص می‌یابد. در واقع، بر اساس شاخص‌های یاد شده، به احزاب و تشکلهای فعال، امتیازاتی تعلق می‌گیرد و سپس با تقسیم امتیازها بر کل مبلغ یارانه، معادل ریالی آن جهت تحویل به حزب مربوطه مشخص می‌شود. البته براساس قانون، از مجموع یارانه اعطایی به احزاب، معادل پنج درصد به خانه احزاب و پنج درصد به کمیسیون ماده 10 احزاب تعلق می‌گیرد.

دبیرکل حزب جوانان ایران اسلامی در خصوص یارانه احزاب، ادامه می‌دهد: ”دولت آقای احمدی‌نژاد از زمان در دست گرفتن قدرت تاکنون، توجه ویژه و درخوری به احزاب نشان نداده و یارانه احزاب را قطع کرده است. حتی در کلام برخی از مقامات ارشد دولتی، بی‌اعتنایی به احزاب و فعالیت آنها به وضوح قابل مشاهده است، در حالی که بحث حمایت از تشکلهای مدنی در برنامه چهارم توسعه پیش‌بینی شده است. اما دولت نهم در تدوین بودجه سال‌های 85 و 86، این بند را نادیده گرفت.”

طبیعتاً احزاب ایرانی به عنوان نهادهای مدنی نوپا، هنوز به مرحله‌ای از رشد و تکامل نرسیده‌اند تا منابع مالی مورد نیاز خود را از طریق مردم، اعضا و هواداران نشان تأمین کنند. البته این مهم، به ساختار اقتصادی و سیاسی کشورمان نیز باز می‌گردد. در ساختار اقتصادی، دولت با اتکا به درآمدهای نفتی، به حمایت از بخش خصوصی و احزاب و تشکلهای فکر نمی‌کند. از سوی دیگر، در عرصه سیاسی هنوز احزاب فراگیر و مستقل که در آنها هر فردی امکان را می‌یابد و همچنین ترقی را داشته باشد، پا نگرفته است.